



توماس . جی . واتسون Thomas.J.Watson

توماس . جی . واتسون متولد ۱۷ فوریه ۱۸۷۴ در یک خانواده روستایی بود و پدرش یک کارگاه نه چندان پررونق تهیه الوار در شمال غرب نیویورک در پینتد پوست ۱ را اداره می کرد. توماس کوچک به دلیل ابتلا به بیماری اسم بسیار منزوی و در مجامع خجالتی بود. پس از پایان مدرسه و اشتغال به تدریس تنها یک روز پس از انصراف از کار وارد مدرسه بازرگانی ۲ میلر شد و یک دوره یک ساله حسابداری و بازرگانی را تا می ۱۸۹۲ به اتمام رسانید.

کار بعدی اش حسابداری با دستمزد هفته ای ۶ دلار، تقریباً به کوتاهی نخستین تجربه اش بود که زمینه ای جهت روی آوردن به حرفه دستفروشی شد، او اندکی بعد به یک فروشنده سیار به نام جرج کرن ول ۳ پیوست که برای فروشگاه محلی ویلیام برانسون ۴ در روستاهای اطراف ارگ و بیانو می فروخت. زمانی که واتسون از کرن ول جدا شد، خودش هفته ای ۱۰ دلار درآمد داشت. با صرف دو سال در این مسیر کم کم متوجه شد می تواند با دریافت کمیسیون درآمدش را به ۷۰ دلار برساند. پس به شهر بوفالو ۵ نقل مکان کرد تا به بازار وسیع تری دسترسی پیدا کند.

این بار در تجربه ای جدید دوره کوتاهی را به فروش ماشین های دوخت برای شرکت ویل اند ویلاکس ۶ سپری کرد، علت از دست دادن این کار را تام واتسون پسر دراتو بیوگرافی خود اینگونه شرح داده است: «روزی پدرم برای این که موفقیتش در یک داد و ستد را جشن بگیرد به یک رستوران کنار جاده می رود و مقادیر زیادی می نوشد. وقتی رستوران تعطیل می شود، می فهمد هرچه داشته از اسب و درشکه تا نمونه کالاهایش را یک جا سرعت کرده اند و به سبب این اهمال نه تنها شرکت عذرش را می خواهد

بلکه یک سال در جست و جوی یک کار ثابت دیگر سرگردان می شود، البته این حکایت هرگز در شرکت آی. بی. ام مطرح نشد چون پدرم توجیهی برای خیل عظیمی که دنبال روی سیاست های مدبرانه اش در کار بودند نمی توانست ارائه کند.» در این اثنا، او یک بار دیگر فروشنده سیار را آزمود و این مرتبه شریکش سی. بی. بارون ۷، مردی نه چندان خوشنام بود که واتسون به عنوان یک متدسیت ۸ مادم العمر و از روی دلسوزی او را به شراکت پذیرفته بود و در این همکاری این دو برای شرکت بوفالو بیلدینگ اندلون ۹ بازاریابی می کردند. با ادامه پیشرفت کاری واتسون یک فروشگاه قصابی را راه اندازی کرد تا به موازات کار سرمایه ای اندوخته باشد. بدبختانه، کمی بعدتر بارون با مبلغ کمیسیون و وجوه وام مربوط به شرکت یک باره گریخت و واتسون بدون هیچ نقدینگی به ناچار برای جبران خسارت فروشگاهش را از دست داد.

به این ترتیب برای بار دوم و البته نه آخرین بار با معضلی ناگوار مواجه شد. از آن جایی که واتسون به تازگی یک صندوق پرداخت ان. سی. آر. ۱۰ برای فروشگاه قصابی اش خریداری کرده بود، با ملاحظه تشکیلات مذکور که از شاخص ترین ها در نوع خود بود و در آن تاریخ سرپرستی اش بر عهده جان پترسون ۱۱ قرار داشت. مصمم گردید تا به آن بیبندد. شاید این همکاری نقطه عطفی برای واتسون محسوب شود، زیرا جان. جی. رنج ۱۲ مدیر شعبه بوفالو تبدیل به الگویی از شیوه مدیریت و هدایت فروش برای واتسون گردید، چرا که بعدها در یک مصاحبه وی مشخصاً به این موضوع اشاره کرد: «جان. جی. رنج یک گانه مردی بود که بیش از هر کس از او درس گرفتم.» او باور داشت که یک فروشنده فقیر بوده و «رنج» راه کامیابی را به او نشان داده، عمل نیز واتسون خیلی زود یکی از فعال ترین فروشندگان منطقه شرق ایالات متحده با درآمد ۱۰۰ دلار در هفته گردید.





RELEASING THE HUMAN MIND



150 Extra Engineers



واتسون در سن ۲۵ سالگی به علت شایستگی با تأیید شرکت توانست آژانس ان.سی.آر در شهر راجستر را افتتاح کند، همچنین طبق تصمیم‌گیری شرکت، ۳۵ درصد کمیسوین از هر فروش به او تعلق می‌گرفت. طی چهار سال با به کارگیری تمهیدات مختلف که عمدتاً حول رقابت بود، واتسون توانست رقیب اصلی‌اش یعنی آژانس هال وود ۱۳ را از میدان خارج کرده و کلاً انحصار فروش ان.سی.آر در نواحی اطراف را به شعبه راجستر اختصاص دهد. طرح واتسون در مرحله بعدی پیروزی در کل بازار رقابت بود. به رغم بسیاری از سرمایه‌های که از سوی ان.سی.آر تأمین می‌شد واتسون تشکیلاتی به ظاهر مستقل در مانهاتان راه‌اندازی نمود. از سوی دیگر چون از پشتوانه سرمایه ان.سی.آر برخوردار بود چندان نیازی به کسب سود زیاد نداشت و با ترندهای خاص توانست از رقیبانش پیشی گرفته و به تدریج داد و ستد را به انحصار خود درآورد، او به محض مشاهده شرایط مساعد تمامی سهام رقیبانش را نیز خرید. آنگاه برای توسعه کارش به فیلادلفیا رفت و در پی آن به سراسر کشور سفر کرد.

در سال ۱۹۰۸ کار واسطه‌گری در دفاتر فروش ادغام گردید و واتسون هم معاون مدیر فروش شد و دو سال بعد به سمت مدیریت فروش ارتقاء پیدا کرد که علاوه بر وظیفه خود، ملزم به همکاری با مهندسی ان.سی.آر در جهت توسعه محصولات جدید نیز بود.

در شرایط قابل تردید و سوال برانگیز کسب و کار واسطه‌گری، موضوع مخالفت با انحصار و تشکیل اتحادیه‌های بزرگ صنایع و حرکت‌های ضد تراست ۱۴، واتسون در ۳۰ سالگی از سوی سایر مدیران ان.سی.آر از جمله پاترسون در ۲۲ فوریه ۱۹۱۲ متهم شد و طی یک دادخواست ضد تراستی از سوی آنان به دادگاه فراخوانده شد. هر چند او بعداً ادعا کرد که مفهوم آنچه انجام می‌داده را درک نکرده که حقیقتاً احتمال آن بعید نیست و او چنان غرق در کار گردیده که از نقشه زیرکانه رئیسش پاترسون غافل مانده، به هر تقدیر در ۱۳ فوریه ۱۹۱۳ محاکمه و با رای دادگاه محکوم به پرداخت ۵۰۰۰ دلار غرامت و یک سال زندان در میامی ۱۵ و طبعاً برکناری از کارش شد.

واتسون در اول ماه می سال ۱۹۱۴ به شرکت کامپیوتری سی.تی.آر. ملحق شد. زمانی که واتسون مدیر شرکت شد کمتر از ۴۰۰ پرسنل داشت. او نام تشکیلات را به ای.بی.ام ۱۷ تغییر داد و آن را به قطب نیرومندی بدل ساخت که بیش از ۹۰ درصد از تمامی ماشین‌های پانچ در سرتاسر ایالات متحده آمریکا محصول شرکت ای.بی.ام بودند.

شایان ذکر است که واتسون همواره طوری گرایش خود به ارتباطات بین‌المللی را حفظ نمود که بسیاری او را سفیر غیر رسمی تئودور روزولت، رئیس جمهور وقت و میزبان سیاستمداران خارجی می‌شناختند.

واتسون در سال ۱۹۳۷ به ریاست اتاق بازرگانی بین‌المللی برگزیده شد و عنوان سخنرانی وی در افتتاحیه کنگره دو سالانه برلین بدل به شعار تبلیغاتی هر دو اتاق بازرگانی و شرکت ای.بی.ام گردید.

«صلح جهانی از طریق تجارت جهانی» واتسون برجسته‌ترین بازرگان حزب دموکرات تلقی می‌شد و در دورهای از انتخابات ریاست جمهوری که منجر به پیروزی آیزنهاور شد، هدایت فعالیت‌های انتخاباتی به نفع او را واتسون هدایت کرد.

همینطور همکاری نزدیک وی با رایش سوم در خصوص تبادل فناوری باعث شد در سال ۱۹۳۷ بابت کمک Dehomg، شرکت تابعه ای.بی.ام، جهت فراهم نمودن ماشین‌های پانچ مناسب برای جدول بندی اطلاعات آماری، مدال دریافت نماید. البته پس از وقوع جنگ دوم جهانی واتسون مدال را عودت داد و دولت آلمان هم در طول جنگ از فعالیت Dehomg ممانعت کرد.

در پی تحولات سیاسی و تأثیرات جنگ، ای.بی.ام فعالیت خود را بر تولید انبوه تجهیزات پردازشگر اطلاعات برای ارتش کرد و کامپیوترهای آنالوگ را برای اولین بار مورد آزمایش قرار داد. در این خلال پسر واتسون به نیروی هوایی ارتش پیوست، جایی که با ژنرال مولت برادلی ۱۸ آشنا شد، درجه‌داری که مسئولیت تأمین تجهیزات برای اتحاد جماهیر شوروی از آمریکا را داشت. واتسون تدبیر جالبی اعمال نمود و مقرر کرد تا ای.بی.ام تنها یک درصد سود از فروش به پنتاگون وصول نمایند، او از معذور مدیرانی بود که از آن پس تاکنون چنین خط مشی را برنامه‌ریزی و اجراء نموده است. واتسون با یاری مسئولین محلی تلاش کرد و در منطقه بینگمتون ۱۹ محل تاسیسات وسیع ای.بی.ام کالجی با نام «مدرسه مهندسی و علوم کاربردی» تأسیس کرد.

یک ماه پیش از مرگش واتسون زمام امور شرکت را به پسر بزرگش یعنی توماس.جی. واتسون پسر تفویض نمود و در سپتامبر ۱۹۴۹ با حفظ عنوان ریاست بازنشسته شد.



ELECTRONICS OF WORLD

IBM



Fingers You Can Count On



Today... Experiment Without



- ۱-Painted - Post
- ۲-Miller School of Commerce
- ۳-George Cornwell
- ۴-William Bronsons
- ۵-Buffalo
- ۶-Wheeler and Wilcox
- ۷-C.B.Barron
- ۸-Methodist
- ۹-Buffalo Building and Loan
- ۱۰-NCR: National Cash Register
- ۱۱-John Patterson
- ۱۲-John J.Range
- ۱۳-Hollywood
- ۱۴-Anitrust
- ۱۵-Miami
- CTR: Computing Tabulating Recording
- ۱۶-Corporation
- ۱۷-IBM: International Business Machins
- ۱۸-Follet Brady
- ۱۹-Binghamton